

انجیل پادشاهی خدا (۱۸)

موعظه سر کوه / خوشبحال پاک دلان (متی ۸:۵)

مطالعه انجیل پادشاهی خدا را از متی ۸:۵ تحت عنوان پاک دلان، پی می گیریم.

از مقدمه موعظه سرکوه عیسی مسیح، که معرفی ۸ مورد از خصوصیات شهروندان ملکوت خداست، تا کنون، پنج ویژگی را بررسی کردیم که از این قرارند.

متی ۷-۳:۵ خوشبحال مسکینان در روح، زیرا ملکوت آسمان از آن ایشان است. خوشبحال ماتمیان، زیرا ایشان تسلی خواهند یافت. خوشبحال حلیمان، زیرا ایشان وارث زمین خواهند شد. خوشبحال گرسنگان و تشنگان عدالت، زیرا ایشان سیر خواهند شد. خوشبحال رحم کنندگان، زیرا بر ایشان رحم کرده خواهد شد.

در جلسه گذشته اشاره کردیم که، هشت ویژگی ای که عیسی مسیح در این خوشبحال ها برای معرفی ساکنین ملکوت خدا بکار گرفته رو می توان به دو گروه چهارتایی ویژگی های درونی و برونی، تقسیم کرد.

ویژگی های درونی در گروه اول که شامل (۱) مسکینان در روح (۲) ماتمیان (۳) حلیمان (۴) گرسنگان و تشنگان عدالت می باشند، در چند جلسه بررسی شد. گفتیم که این ویژگی های درونی در واقع مَعْرِفِ شخصیت روحانی ما مسیحیان هستند و بدون آنها، چهار ویژگی برونی دیگر مفهومی نخواهند داشت.

در جلسه قبل رحم کنندگان، که اولین ویژگی برونی بود را مطالعه کردیم و همانطور که در ابتدا عرض کردم، امروز به دومین ویژگی برونی می پردازیم که عیسی مسیح در متی ۸:۵، به آن اشاره می کند:

متی ۸:۵ خوشبحال پاکدلان، زیرا ایشان خدا را خواهند دید. (ترجمه کلاسیک)

قبل از اینکه به بررسی متن بپردازیم، می خوام اشاره ای به شرایط اجتماعی و تاریخی ای که مربوط به این گفته مسیح است، داشته باشم.

اینکار باعث می شود تا بتوانم نه تنها خودمان را در آن زمان ببینیم بلکه مانند شنوندگانی که موعظه سرکوه مسیح را از مسیح شنیدند، فکر کنیم.

ارتباط آیه ۸ با وضعیت روحانی قوم یهود

مردم اسرائیل از هنگام دنیا آمدن عیسی مسیح تا آغاز خدمتش در مناطق جلیل و اورشلیم از لحاظ سیاسی، اقتصادی و بخصوص مذهبی تحت فشار بودند و در وضعیت بدی قرار داشتند.

در این مطالعه، ما بر وضعیت و شرایط مذهبی قوم یهود متمرکز هستیم، چون مشکلات مردم از آنجا سرچشمه می گرفت. هدف اصلی عیسی مسیح در موعظه سر کوه نیز همین بود، که در آیه هشت با مطرح کردن پاک دلان، به اوج مطلب می رسد.

حال به بررسی وضعیت روحانی قوم یهود در زمانیکه مسیح خدمت خود را آغاز کرد، بپردازیم.

در زمان خدمت عیسی مسیح، فریسیان با نفوذترین قدرت حاکم در اسرائیل بودند و بیشترین ظلم و سلطه جویی را بر مردم داشتند. از آنجائیکه مردم قادر به انجام فرامین موسی نبودند، تفسیرهای غلطی از شریعت موسی به مردم ارائه می دادند تا قدری جلوی عذاب وجدان خودشان را بگیرند.

بنابراین، با تفاسیر غلط، احکام دروغین و الحاقیه هایی که به شریعت موسی افزوده بودند، یک سیستم سخت و خشن با وظائف شرعی، به مردم تحمیل کرده بودند، بطوریکه از طرف مردم اصلاً قابل اجرا نبود.

به همین دلیل، کاتبی که با بی میلی خود را به آن سیستم غلط مذهبی، تسلیم کرده بود، نزد مسیح آمد و از مسیح سوال کرد که:

لوقا ۲۵:۱۰ ای استاد چه کنم تا وارث حیات جاودانی گردم؟ (ترجمه کلاسیک)

عیسی مسیح نیز در پاسخ به او گفت:

لوقا ۲۶:۱۰ اینکه خداوند خدای خود را به تمام دل و تمام نفس و تمام توانایی و تمام فکر خود محبت نما و همسایه خود را مثل نفس خود... چنین بکن که خواهی زیست.

کاتبان، فقه ها و رهبران یهود بهتر از هر کس می دانستند که نه تنها این حکم خدا را زیر پا گذاشته بودند بلکه هیچ کدام از احکامی که خود ساخته بودند، نمی توانند جایگزین این حکم و سایر فرامین خدا شود.

به همین دلیل، رهبران و تمام ملت یهود در آن زمان، عذاب وجدان سختی داشتند.

چون از یک طرف مذهبی بودند، اما توانایی انجام اوامر خدا را نداشتند و می دانستند که خدا از آنها راضی نیست.

عذاب وجدان و فشار مذهبی کمک شایانی به خدمت یحیی تعمید دهند نمود.

چون دل مردم را برای شنیدن پیامش آماده کرده بود.

مردم به دنبال راهی بودند که تا وجدانشان را در حضور خدا آزاد کنند و نجات یابند.

آنها نبوت‌های پیامبران گذشته را که وعده ظهور یک نجات دهنده را داده بودند بیاد می آوردند و در انتظار آن آینده بودند.

به همین دلیل است که وقتی یحیی تعمید دهنده بشارت ظهور مسیح نجات دهنده را به مردم داد، مردم سراسیمه شهرها را ترک کردند و برای توبه و بخشش از گناهانشان، تعمید آب گرفتند و خود را آماده ملاقات با مسیح نمودند.

آنها با تمامی دل انتظار مسیح نجات دهنده را می کشیدند.

دل‌های منتظر برای ملاقات با عیسی مسیح نجات دهنده

کلام خدا به انبوه بیشتر مردم اشاره می کند که دنبال مسیح بودند و از او تعلیم می گرفتند، چون نه تنها سخنانش نافذ بود و هیچ کس مثل او تعلیم نمی داد، بلکه با شفا و معجزات ثابت می کرد که تمام ادعاهایش حقیقت دارد.

یوحنا ۳ اشاره به یک شخص فریسی بنام نیکودیموس می کند که شب هنگام به ملاقات مسیح رفت و از او خواست تا راه رستگاری را به او نشان دهد.

یوحنا در باب ششم انجیلش، ۶ بار به جمعیتی که دنبال مسیح بودند، اشاره می کند که در آیه ۲۸ از او این سوال را می پرسند.

یوحنا ۶:۲۸ آنها از او پرسیدند: «وظیفه ما چیست؟ چطور می توانیم کارهایی را که خدا از ما می خواهد انجام دهیم؟ (ترجمه تفسیری)

انجیل لوقا نیز به شخص دیگری اشاره می کند که همان سوال را از مسیح می پرسد:

لوقا ۱۸:۱۸ یکی از روسا از وی سوال نموده، گفت، ای استاد نیکو چه کنم تا حیات جاودانی را وارث گردم؟ (ترجمه کلاسیک)

این نشان میدهد که مردم جامعه از گروه مختلف طبقاتی و سطح سواد، همه مشتاقانه می خواستند بدانند که چگونه می تواند خدا را خشود کنند و حیات جاودانی بیابند.

رهبران مذهبی آن زمان قادر نبودند، هیچ اطمینانی برای ورود به ملکوت خدا و حیات جاوید به مردم بدهند.

همه در ناامنی و سرگردانی دنبال راهی برای رستگار شدن بودند.

این سوال که چگونه می توان به ملکوت خدا راه یافت، امروزه هم بزرگترین سوال زندگی مردم است. منتهی اکثراً برای پاسخ به چیزهای غلط متمسک می شوند. مشکل اساسی انسان نجات الهی و راه یافتن به ملکوت خداست.

سوال اساسی این است که چگونه یک شخص می تواند رستگار شود؟

عیسی مسیح با موعظه بی نظیر سرکوه به این سوال بزرگ زندگی و مشکل اساسی پاسخ می دهد. عیسی مسیح قبل از اینکه این موعظه سر کوه را انجام دهد، نزد مردم محبوبیت کسب کرده بود. بطوریکه کلام خدا می گوید:

متی ۲۳:۴-۲۵ عیسی در سراسر جلیل می گشت و در عبادتگاه یهودیان تعلیم می داد، و به هر جا می رسید مژده ملکوت خدا را اعلام می کرد و هر نوع مرض و بیماری را شفا می بخشید. شهرت معجزات او از مرزهای جلیل نیز گذشت، به طوری که حتی بیماران از سوریه می آمدند تا شفا یابند. عیسی هر نوع مرض و درد را شفا می داد و هر دیوانه و غشی و افلیج را سلامتی می بخشید. او به هر جا که گام می نهاد، انبوه جمعیت از جلیل، دکاپولیس، اورشلیم و سراسر یهودیه، و حتی از آنطرف رود اردن دنبالش براه می افتادند. (ترجمه تفسیری)

انبوه جمعیتی که در اینجا به آن اشاره می کند، فقط بخاطر شفای جسمانی دنبال مسیح نبودند، بلکه بسیاری دنبال پاسخ سوالات بزرگ زندگی شان بودند.

مشکل مردم این بود که راه رستگاری را نمی دانستند.

آنها می خواستند بدانند که یک شخص چگونه می تواند وارد ملکوت خدا شود؟

چگونه می تواند وارث حیات جاودان گردد؟

چطور می توان عادل شمرده شد؟

چطور می توان شرایطی ایجاد کرد تا مورد پذیرش خدا گردند؟

این گونه سوالات ذهن مردمی را که در متی باب ۵، پای موعظه عیسی مسیح نشستند، پر کرده بود.

عیسی مسیح در موعظه سر کوه پاسخ آنان را اینگونه داد.

همانطور که در ابتدای جلسه عرض کردم، عیسی مسیح در متی ۵:۸ به نقطه اوج مطلب خود می رسد و می فرماید:

متی ۵:۸ خوشبحال پاکدلان، زیرا خدا را خواهند دید.

پاسخ: توسط پاکدلی (متی ۵:۸)

این خوشحالی به واقع از سایر خوشبحال ها، بهترین پاسخ برای آنها بود. عبارتی مسیح داشت به آنان می گفت که اگر می خواهید به ملکوت خدا راه یابید و او را ببینید باید پاکدل باشید، چون غیر از این امکان ندارد،

خوب دقت کنید که عیسی مسیح به اعمال مذهبی مثل غسل گرفتن و انجام مراسم اشاره نکرد.

بلکه به کسانی اشاره کرد که درون خود را شستشو کرده اند.

پاکدل بودن، تنها پاسخ مسیح به تمام سوالات مردم در مورد راه یابی به ملکوت خدا بود.

اغلب آدم ها عادت دارند خودشان را با دیگران مقایسه کنند. فریسیان در این کار استاد بودند. معمولاً این گونه افراد وقتی می خواهند شخصیت، رفتار و یا هر مسئله دیگر خود را توجیح کنند، خودشان را با دیگری مقایسه می کنند، شخصی را که از خودشان ضعیفتر است را می یابند و بعد مقایسه شان را انجام می دهند. بعضی زن و شوهرها هم از این روش برای خوب جلوه دادن خودشان استفاده میکنند 😊. همیشه می توان کسی را که از خودمان ضعیفتر است پیدا کنیم و این کاری بود که فریسیان می کردند. دعاهایشان اینطور بود:

لوقا ۱۱:۱۸-۱۲ فریسی خودپسند، کناری ایستاد و با خود چنین دعا کرد: ای خدا تو را شکر می کنم که من مانند سایر مردم، خصوصاً مانند این باجگیر، گناهکار نیستم. نه دزدی می کنم، نه به کسی ظلم می کنم و نه مرتکب زنا می شوم. در هفته دو بار روزه می گیرم و از هر چه که بدست می آورم، یک دهم را در راه تو می دهم. (ترجمه تفسیری)

انسان گناهکار برای توجیح گناهانش، خودش را با شخص ضعیفتر مقایسه می کند و این مقایسه ها آنقدر زیاد می شود که استاندارد یا عرف جامعه در سطح بسیار پائین قرار می گیرد. اما خدا هیچ وقت از ما نخواست که از دیگری بهتر باشیم.

بلکه خدا می خواهد تا ما خودش را بعنوان استاندارد و ملاک خود قرار دهیم بطوریکه عیسی مسیح فرمود:

متی ۵:۴۸ پس شما کامل باشید چنانکه پدر شما که در آسمان است کامل است. (ترجمه کلاسیک)

حال اگر کسی سوال کند که چه کسی می تواند به ملکوت خدا راه یابد، پاسخ این است که هر کس که بتواند این استاندارد خدا را رعایت کند.

پاکدلی نیز به همین مفهوم است.

حال ممکن است پرسید که اگر پاکدلی شرط ورود به ملکوت خداست، چرا در وسط خوشبحالها قرار گرفته؟ چرا مسیح آنرا اول بیان نکرد؟

نگاه کردن به خوشبحال ها به این صورت اشتباه است.

همه آنها به هم متصل هستند.

بطوریکه اگر اولی را رعایت کنیم، سایرین نیز بخودی خود در ما حاصل می شوند.

اول از مسکین در روح شروع می شود تا به پاکدلی می رسد.

اول باید به فقر روحانی خود پی ببریم، آنگاه خود را در حضور خدای قدوس ناچیز و ناتوان خواهیم دید و با ماتم و فروتنی برای گناهانمان از او طلب بخشش می کنیم. وقتی بخشش خدا را دریافت کردیم، احساس می کنیم که می خواهیم برای خدایی که به ما رحم کرده و گناهانمان را بخشیده کاری بکنیم و با تشنگی و گرسنگی برای انجام اراده او می کوشیم و رحمت خدا را با دیگران تقسیم می کنیم.

در اینجا است که دلمان کاملاً از هر آرایش پاک می شود و فقط با پاکدلی است که می توانیم صلح کننده و زحمتکشان عدالت گیریم. پس می بینید که چرا پاکدلی در اینجا مطرح شده است.

اما، علاوه بر این، یک دلیل دیگری هم وجود دارد، و آن اینکه، چون پاکدل بودن در راس قرار دارد.

مثل این می ماند که یک کوهنورد قلعه کوهی را فتح کرده باشد. کسی که پاکدل است در واقع در راس خوشبحال ها قرار گرفته، عبارتی، مراحلی که تا قبل از این طی شده، شخص را به پاکدلی رسانده است، از الان به بعد هر آنچه انجام می دهد نتیجه یا ثمر پاکدل بودن می باشد.

مسکینان در روح، کسانیکه برای گناهانشان اشک می ریزند، حلیمان، گرسنگان و تشنگان عدالت و رحم کنندگان، قطعاً دل چنین اشخاصی از آلودگی های این دنیا پاک شده و آماده ثمره صلح کردن و زحمت کشیدن می باشند.

از این مطالب می تونیم نتیجه بگیریم:

موضوعی که مسیح در اینجا مطرح می کند نه تنها از لحاظ تاریخی، بلکه از لحاظ متنی و ترتیب موضوعی نیز، بجاست.

نجات فقط از فیض خدا و ایمان به مسیح حاصل می شود

همانطور که قبلاً اشاره کردم، فریسیان نیز در آن جمعیت انبوه حضور داشتند.

آنها در تمام گردهمایی ها و مراسم مذهبی شرکت می کردند، تا به مردم نشان دهند که از هیچ حرکت یا حتی جنبشی عقب نیستند. تعلیم فریسیان به مردم این بود که با رعایت یک سری مراسم و قوانین مذهبی می توانند خدا را خشنود کنند و از این طریق وارد ملکوت خدا شوند.

امروزه نیز رهبران مذهبی همین آموزش را به پیروانشان می دهند.

مذاهب دنیا را به دو گروه تقسیم کرد.

دسته اول آنهايي هستند که مثل فریسیان می گویند، با انجام کارهای مذهبی می توان رضایت خدا را جلب کرد و

دسته دوم مسیحیت، که می گوید فقط از راه ایمان بتوسط فیض الهی می توان خدا را خشنود کرد و وارث ملکوت آسمان شد.

این دقیقاً پیامی است که عیسی مسیح سعی دارد با موعظه سر کوه به مردم منتقل کند.

انجام شریعت هیچ گاه قادر به رستگار کردن مردم نبوده، چون هیچ کس قادر نیست تمام شریعت را انجام دهد. کلام خدا می گوید که شریعت به انسان داده شد تا بفهمد چقدر گناهکار است.

یعنی به دل مریض و گناهکارش، یا به عبارتی به پوچی درونی و فقر روحانی خود پی ببرد.

ارمیا در این رابطه می گوید:

ارمیا ۹:۱۷ دل از همه چیز فریبنده تر است و بسیار مریض است کیست که آن را بداند؟

اشعیای نبی از طرف خدا در مورد وضعیت قوم یهود چنین می گوید:

اشعیای ۱:۵-۶ تمامی سر بیمار است و تمامی دل مریض. از کف پا تا به سر در آن تندرستی نیست بلکه جراحی و کوفتگی و زخم

متعفن، که نه بخیه شده و نه بسته گشته و نه با روغن التیام شده است. (ترجمه قدیم)

داود این مطلب را می دانست برای همین نیز در توبه خود اینگونه دعا کرد.

مزمور ۵۱:۶ و ۱۰ تو از ما قلبی صادق و راست می خواهی؛ پس فکر مرا از حکمت خود پر کن. ... خدایا، دلی پاک در درون من

بیافزین و از نو، روحی راست به من عطا کن. (ترجمه تفسیری)

این اصلی بود که داود در مزمور دیگرش نیز به آن اشاره کرده:

مزمور ۳۴:۴-۳ کیست که به کوه خداوند برآید؟ و کیست که در مکان مقدس او بایستد؟ آن که پاک دست و صاف دل باشد،

(ترجمه هزاره نو)

آساف نیز در مزمور ۷۳ چنین می گوید:

مزمور ۷۳:۱ براستی، خدا برای اسرائیل نیکوست یعنی برای آنانی که پاکدل هستند. (ترجمه تفسیری)

اگر یهودیان به کتاب مقدسشان توجه می داشتند، باید می فهمیدند که موعظه سر کوه مسیح، سخن تازه ای نبود، بلکه اشاره به نبوت خدا از زبان حزقیال ۳۶ است سالها پیش بیان شد.

حزقیال ۲۶:۳۶-۲۷ دل تازه به شما خواهم داد و روح تازه در اندرون شما خواهم نهاد. و دل سنگی را از جسد شما دور کرده، دل گوشتین به شما خواهم داد. و روح خود را در اندرون شما خواهم نهاد و شما را به فرایض خود سالک خواهم گردانید تا احکام مرا نگاه داشته، آنها را بجا آورید. (ترجمه کلاسیک)

مردم برای نزدیک شدن به خدا از سه روش استفاده می کنند.

(۱) از راه سر - نمادی از روش های فلسفی است

(۲) از راه دست - یعنی اعمال مذهبی

(۳) از راه قلب - که همان ایمان قلبی است

خدا فقط روش سوم را مد نظر دارد. سایر روشها باطل است.

برای درک این مطلب باید به مفهوم کتاب مقدسی واژه "دل" پی برد.

مفهوم پاکدل بودن چیست؟

واژه "دل"

واژه "دل" در کتاب مقدس همیشه به بخش درونی انسان اشاره دارد. یعنی معرف شخصیت و ماهیت اوست.

متأسفانه ما امروزه دل را مرکز احساسات می دانیم، اما از دیدگاه کتاب مقدس، دل مرکز تفکرات انسان است.

امثال ۴:۲۳ دل خویش را با مراقبت تمام پاس بدار، زیرا سرچشمه امور حیاتی است. (ترجمه هزاره نو)

ترجمه تفسیری: مواظب افکارت باش، زیرا زندگی انسان از افکارش شکل می گیرد.

مزمور ۱:۹ خداوند را به تمامی دل حمد خواهم گفت. (ترجمه کلاسیک)

مزمور ۱۴:۱۹ سخنان زبانم و تفکر دلم منظور نظر تو باشد، ای خداوند که صخره من و نجات دهنده من هستی! (ترجمه کلاسیک)

مزمور ۲:۲۶ ای خداوند مرا امتحان کن و مرا بیازما. باطن و قلب مرا مصفی گردان. (ترجمه کلاسیک)

مزمور ۷:۵۷ دل من مستحکم است؛ خدایا دل من مستحکم است. سرود خواهم خواند و ترنم خواهم نمود. (ترجمه کلاسیک)

ترجمه تفسیری: ای خدا، من روحیه خود را نباخته‌ام و اعتماد خود را از دست نداده‌ام. من سرود خواهم خواند و تو را ستایش خواهم کرد.

ارمیا ۹:۱۷ تنها من که خداوند هستم می‌دانم در دل انسان چه می‌گذرد! تنها من از درون دل انسان آگاهم و انگیزه‌های او را می‌دانم و هر کس را مطابق اعمالش جزا می‌دهم. (ترجمه تفسیری)

پیدایش ۵:۶ خداوند دید که شرارت انسان در زمین بسیار است، و هر تصور از خیالهای دل وی دائماً محض شرارت است. (ترجمه کلاسیک)

متی ۱۵:۱۹-۲۰ زیرا از دل بد این قبیل چیزها بیرون می‌آید: فکرهای پلید، آدم کشی، زنا و روابط نامشروع، دزدی، دروغ و بدنام کردن دیگران. بلی، این چیزها هستند که انسان را نجس می‌سازند، و نه غذا خوردن با دستهای آب نکشیده! (ترجمه تفسیری)

وقتی خداوند سموئیل را نزد یسی می فرستد تا یکی از پسرانش را برای پادشاهی اسرائیل مسح کند. یسی پسرانش نزد سموئیل می آورد و الیاب نظر سموئیل را جلب می کند، اما خداوند به سموئیل چنین می گوید:

اول سموئیل ۷:۱۶ خداوند به سموئیل فرمود: « به چهره او و بلندی قدش نگاه نکن، زیرا او آن کسی نیست که من در نظر گرفته ام. من مثل انسان قضاوت نمی کنم. انسان به ظاهر نگاه می کند، اما من به دل.» (ترجمه تفسیری)

به همین دلیل آنچه برای خدا مهم است وضعیت دل آدمی است. یعقوب در این رابطه می گوید:

یعقوب ۸:۴ به خدا نزدیک شوید، تا او نیز به شما نزدیک شود. ای گناهکاران، دستهای گناه آلود خود را بشویید و دل خود را فقط با عشق الهی لبریز سازید تا پاک گردد و نسبت به خدا وفادار بماند. (ترجمه تفسیری)

از آنجائیکه عیسی مسیح عبارت پاک دل را بکار برد پس حال بیائید به مفهوم کتاب مقدسی واژه پاک نگاهی بیاندازیم.

واژه "پاک"

کلمه یونانی، کاتاراس katharos که در متی ۸:۵ پاک ترجمه شده به مفهوم تطهیر شدن از کثافات و ناپاکی هاست. خداوند از زبان ارمیا در مورد شرارت‌های سرزمین های اسرائیل و یهودا چنین می گوید:

ارمیا ۲۷:۳۲-۳۵ من خداوند، خدای تمام انسانها هستم! هیچ کاری برای من دشوار نیست. ... خانه‌هایی که بر بام آنها برای بت بعل بخور می‌سوزاندند و به بت‌های دیگر هدیه نوشیدنی تقدیم می‌کردند و آتش خشم و غضب مرا شعله‌ور می‌ساختند! مردم اسرائیل و یهودا از همان ابتدا همواره گناه کرده‌اند و با کارهایشان مرا به خشم آورده‌اند. این شهر، از روز بنا تا بحال، باعث خشم و غضب من بوده است؛ ... گناهان مردم اسرائیل و یهودا، گناهان پادشاهان، بزرگان، کاهنان و انبیایشان مرا بشدت خشمگین کرده است. آنها مرا ترک گفته‌اند و نمی‌خواهند نزد من باز گردند. با اینکه پیوسته ایشان را تعلیم دادم که درست را از نادرست، و خوب را از بد تشخیص دهند، ولی گوش ندادند و اصلاح نشدند. حتی خانه عبادت مرا با بت پرستی نجس کرده‌اند. در وادی هنوم برای بت بعل قربانگاه‌های بلند ساخته‌اند و بر آنها فرزندان خود را برای بت مؤلک بعنوان قربانی سوزانده‌اند! (ترجمه تفسیری)

این وضعیت اسفبار و آلوده قوم خدا بود. اما، با وجود اینها، همانطور که خداوند در آیه ۲۷ می گوید هیچ کار برای او دشوار نیست، بنابراین خدا تصمیم می گیرد که خودش دست بکار گردد، و دل مردم را عوض کند و وضعیت را بکلی تغییر دهد. سپس به آنها وعده های امید بخش می دهد.

ارمیا ۳۲:۳۹-۴۰ فکر و اراده‌ای جدید به ایشان خواهم داد تا برای خیریت خود و نسل‌های آینده‌شان، همیشه مرا عبادت کنند. «با ایشان عهد و پیمان جاودانی خواهم بست و دیگر هرگز احسان و برکت خود را از ایشان دریغ نخواهم نمود؛ در دلشان میل و اشتیاقی ایجاد خواهم کرد که همواره مرا پیروی نمایند و هرگز مرا ترک نکنند. (ترجمه تفسیری)

این آیات به وضوح نشان می دهند که تقدس و پاکسازی فقط کار خداست.

پنج نوع پاکی یا تقدس

در کلام خدا به پنج نمونه پاکی یا تقدس اشاره شده که از این قرارند.

(۱) تقدس ذاتی، (۲) تقدس خلق شده، (۳) تقدس کامل، (۴) تقدس تفویض شده، (۵) تقدس عملی

(۱) تقدس ذاتی

خدا ذاتاً پاک است. همانطور نور در ذات خورشید می باشد، پاکی نیز جز لاینفک ذات الهی است.

(۲) تقدس خلق شده

دومین نوع پاکی که در کلام خدا می یابیم، تقدسی است که قبل از ورود گناه یا سقوط انسان در آفرینش بود. کلام خدا می گوید که خدا همه چیز را نیکو و بدون هیچ نقصی آفرید.

(۳) تقدس کامل

تقدس کامل نهایت حالتی است که همهٔ مقدسین پس از مرگ به آن نائل خواهند شد. آخرین مرحلهٔ تقدس پیش رونده، این نوع تقدس است.

اول یوحنا ۳:۲-۳ این را به یقین می‌دانیم که وقتی مسیح بازگردد، مانند او خواهیم شد، چون او را همانگونه که هست خواهیم دید. هر که به این حقیقت ایمان دارد، می‌کوشد تا پاک بماند، زیرا که مسیح نیز پاک است. (ترجمهٔ تفسیری)

(۴) تقدس تفویض شده (عادل شمر دگی)

تقدسی است که خدا بتوسط ایمان به ما می‌دهد. بعبارتی هر کس که به عیسی مسیح ایمان می‌آورد خدا تقدس مسیح را برای او منظور می‌دارد.

رومیان ۲۴:۳ اگر به عیسی مسیح ایمان آوریم، خدا ما را کاملاً "بی گناه" به حساب می‌آورد، چون عیسی مسیح به لطف خود بطور رایگان گناهان ما را برداشته است. (ترجمهٔ تفسیری)

(۵) تقدس عملی

تا اینجا در رابطه با چهار نوع تقدس گفتیم که (۱) تقدس ذاتی را فقط خدا داراست. (۲) تقدس خلق شده را خدا تولید می‌کند (۳) تقدس کامل، پس از مرگ از خدا می‌یابیم و (۴) تقدس تفویض شده که از طریق کار مسیح به ما منتقل می‌گردد، اما لازم است این پاکی را عملاً حفظ کنیم و در عمل بجا آوریم. این سخت‌ترین نوع پاکی یا تقدس است.

پولس رسول در این رابطه چنین می‌گوید.

دوم قرنیتیان ۱:۷ دوستان عزیز، حال که خدا چنین وعده‌هایی به ما ارزانی داشته است، بیایید ما نیز از تمام گناهانی که جسم و روحمان را آلوده می‌کند دست بکشیم و خود را پاک ساخته، با خداترسی زندگی کنیم و خود را تماماً به خدا تقدیم نماییم. (ترجمهٔ تفسیری)

این نوع تقدس با سایر تقدس‌ها فرق می‌کند و مسئولیت آن به عهدهٔ ایمانداران مسیحی است. خدا از ما می‌خواهد تا در کمال خود رفتار کنیم.

برای این کار در افسسیان ۶، اسلحهٔ تام خدا به ما داده می‌شود تا بتوانیم، عملاً زندگی مقدس داشته باشیم. حال بایید ببینیم که این دل‌گناه آلود چطور پاک می‌شود.

دل چگونه پاک می‌شود؟

متأسفانه در این رابطه عقاید اشتباهی وجود دارد.

بعضی تصور می‌کنند با کمال‌گرایی می‌توانند دل خود را طاهر کنند.

برخی دیگر به تصور غلط، عقیده دارند که برای پاک یا مقدس شدن باید تاریخ دنیا شد.

عدهٔ دیگری هم تصور می‌کنند وقتی که توبه کردند خدا آنها را وارد فاز دیگری از فیض خود می‌کند که در آن گناه و ذات گناه از آنها بطور کامل ریشه کن شده و تا زمانی که زنده هستند دیگر مرتکب گناه نمی‌شوند (the second work of grace / eradication). هیچ کدام از این روشها کتاب مقدسی نیستند.

برای اینکه بتوانیم این دل‌گناه آلود را تقدیس کنیم باید به سه نکته توجه داشته باشیم.

نکته اول: باید بدانیم که طاهر کردن دل، کار ما نیست. هیچ کس قادر به طاهر کردن خود نیست.

امثال ۹:۲۰ کیست که بتواند بگوید: «دل خود را پاک نگه داشته‌ام و از گناه مبرا هستم». (ترجمهٔ تفسیری)

نکته دوم: تنها چاره کار ایمان است.

از آنجائیکه خدا می داند که هیچ انسانی قادر به طاهر ساختن خود نیست این کار را خودش بر ایمان انجام می دهد. در این رابطه می توانیم به سخنان پطرس مراجعه کنیم. وقتی در حضور شورای سن هدرین ایستاد تا به اعضای شورا ثابت کند که خدا غیریهودیان را نیز به ایمان مسیحی خوانده است این گونه استدلال می کند.

اعمال ۸:۱۵-۹ خدا که از دل مردم باخبر است، روح القدس را همانطور که به ما داد، به غیر یهودیان نیز ارزانی داشت تا این حقیقت را ثابت کند که ایشان را نیز مانند ما می پذیرد. "پس خدا میان ما و آنان هیچ فرقی نگذاشت، چون همانطور که دل ما را با ایمان پاک کرد، دل آنان را نیز پاک نمود. (ترجمه تفسیری)

یوحنا ۷:۱ اگر ما نیز مانند مسیح در نور حضور خدا زندگی می کنیم، آنگاه با یکدیگر رابطه‌ای نزدیک داریم و خون عیسی، فرزند خدا، ما را از هر گناه پاک می سازد. (ترجمه تفسیری)

زکریا ۱:۱۳ «در آن زمان برای خاندان داود و مردم اورشلیم چشمه ای جاری خواهد شد، چشمه ای که ایشان را از همه گناهان و ناپاکی هایشان پاک خواهد ساخت.» (ترجمه تفسیری)

یوحنا ۳:۱۵ الحال شما به سبب کلامی که به شما گفته ام پاک هستید. (ترجمه کلاسیک)

البته عیسی مسیح، پس از این سخنان، به شاگردانش گفت که شرط پاک بودن و ثمر آوردن، ماندن در اوست و این ما را به نکته سوم می رساند که به وظیفه یک ایماندار مسیحی اشاره دارد و در اینجا است که پاکدلی به یک ویژگی برونی تبدیل می شود.

نکته سوم: باید دعا و مطالعه کلام خدا را بطور روزانه داشته باشیم.

وقتی بدانیم که ما قادر به طاهر ساختن این قلب گناهکار نیستیم و فقط خدا قادر به این کار می باشد، آنوقت با دعا و مطالعه کلام خدا و مطابقت دادن زندگی مان و کمک روح القدس این کار عملی خواهد شد.

کلام خدا می گوید از جلال تا جلال تبدیل خواهیم یافت. یک تقدس تدریجی و پیشرونده در زندگی مان انجام خواهد شد. بطوریکه مردم متوجه این تغییر و تحول می شوند.

طرح و نقشه خدا از همان ابتدا این بود که با این روش ما را آماده ملکوتش کند. در نتیجه عیسی مسیح می گوید:

متی ۸:۵ خوشحال پاکدلان، زیرا خدا را خواهند دید. (ترجمه کلاسیک)

نتیجه پاک دل بودن

عیسی مسیح در همین آیه به نتیجه پاک دل بودن اشاره می کند و به روشنی می گوید که آنها خدا را خواهند دید، بعبارتی وارد ملکوتش خواهند شد.

پس، وعده برای کسانی که اینگونه قلب و زندگی شان را تقدیس می کنند، دیدن روی خداست. البته مسیح به آینده اشاره می کند و این نشان می دهد که یک وعده برای آینده است.

شاگردان مسیح از نزدیک با مسیح مشارکت داشتند.

اول یوحنا ۱:۱-۲ من او را با چشمان خود دیده ام، و سخنان او را شنیده ام؛ من با دستهای خود او را لمس کرده ام. این کلمه حیات بخش از جانب خدا آمد و خود را بر ما آشکار فرمود؛ و ما شهادت می دهیم که او را دیده ایم، یعنی عیسی مسیح را. بلی، او حیات جاودانی است. او نزد خدای پدر بود، اما بعد خود را بر ما آشکار ساخت. (ترجمه تفسیری)

آنها شاهدان عینی وقایع زندگی مسیح بودند. این وعده برای ماست، که ما نیز در جلال آسمان با عیسی مسیح برای همیشه زندگی خواهیم کرد و روزی خواهد رسید که مانند ایوب خواهیم گفت:

ایوب ۵:۴۲ پیش از این، گوش من درباره تو چیزهایی شنیده بود، ولی اکنون چشم من تو را می‌بیند! (ترجمه تفسیری)
جلسه آینده به مطالعه سومین مورد از ویژگی های برونی، تحت عنوان صلح کنندگان از متی ۹:۵، خواهیم پرداخت.